

۲۰۱۸۰۳۴

از الهیه تا دروازه غار

داریوش شهبازی

www.ketab.ir



کتاب ماه پریس



ناشر ماهریس

عنوان و نام پدیدآور: از الهیه تا دروازه غار/ داریوش شهبازی، ۱۳۳۲-

مشخصات نشر: تهران: ماهریس، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲۲۶ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۲۹-۳۶-۸

موضوع: تهران—تاریخ

موضوع: Tehran (Iran)--History

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۸۷۴ش ۸۷/DSR۲۰۷۹

رده‌بندی دیوبی: ۹۵۵/۱۲۲

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۵۰۳۱۳۱

دفتر انتشارات

از الهیه تا دروازه غار

میدان انقلاب خجاییان کارگر جنوبی

ناشر: انتشارات ماهریس

تقاطع لبافی‌نژاد، شماره ۲۶۶

چاپ متن: معرفت | صحافی: رثوف

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۲۱۵۰

چاپ اول: ۱۳۹۷ | شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۳۰۰۰ تومان

www.nashremahris.com



@nashremahris



@ketabfarhang

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب برای انتشارات ماهریس محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست

۷	مقدمه
۹	الهیة در زرگنده
۲۷	ارزش ایرانیان از نگاه امین السلطان
۳۳	چگونه اقتصاد قجریان فروپاشید
۴۷	امید تجار ایرانی برای ترویج صنایع ملی
۴۹	حاصل سخن
۵۱	بلدیه
۵۱	سابقه تشکیل بلدیه در تهران به چه دوره‌ای می‌رسد؟
۵۲	اولین بار چه کسی مسئول اداره احتسابیه بود؟
۵۲	شیوه حمل خاکروبه شهر به چه صورت بود؟
۵۳	وضعیت روشنایی‌های شهر تهران در آن زمان چگونه بود؟
۵۵	داستان ماست مختار السلطنه چیست؟
۵۷	اولین قانون بلدیه شامل چه مواردی می‌شد؟
۵۹	چه کسی مسئولیت بلدیه تهران را در دوره رضاخان به‌عهده داشت؟
۵۹	چه زمانی بلدیه به شهرداری تبدیل می‌شود؟
۶۰	مکان بلدیه کجا بود؟
۶۱	تاریخچه مختصری درباره تریاک
۶۱	چکیده
۶۲	پیشینه تریاک در جهان
۶۶	تریاک در ایران
۷۷	تأثیر مشروطه در تحول تنافر
۷۷	چکیده
۷۹	پیش از قاجاریه

۸۰	قاجاریه
۸۵	دوران مشروطه
۸۸	پهلوی
۹۱	نمایشنامه‌نویسی
۹۳	حضور زنان در تئاتر ایران
۹۷	خورشید خانم نخستین صنعتگر تهرانی
۱۰۳	سزاوار شهدای مشروطه نیست
۱۰۹	دارالکتابه ناصری
۱۱۰	کمیته مجازات
۱۱۲	خوشنویسی
۱۱۵	قشون قاجاریه
۱۱۵	بخش اول: از ابتدا تا عهدنامه ترکمانچای
۱۲۲	بخش دوم: از عهدنامه ترکمانچای تا فروپاشی قاجاریه
۱۲۷	ستایش سربار ایرانی
۱۲۸	نیروی قزاق
۱۲۹	پلیس جنوب
۱۲۹	ژاندارمری
۱۳۰	رضاخان
۱۳۱	اقتصاد ارتش
۱۳۲	نتیجه
۱۳۵	میرزا رضا برانداز حکومت ظلم و جور
۱۴۱	میهمان فروغ
۱۴۲	میهمان فروغ
۱۴۵	ترور سازنده «عدل مظفر»
۱۵۱	چاپ نخستین کتاب حسابداری در تهران
۱۵۵	اعتراض عشقی به سند فروش ایران به انگلستان

۱۶۰	تشییع جنازه عشقی
۱۶۳	سربازان گرسنه و آواره در تهران
۱۶۶	در زمان فتحعلی شاه قاجار
۱۶۷	آغاز جنگ جهانی دوم
۱۷۹	پایان جنگ جهانی دوم در اروپا
۱۸۳	طلاق شکوه الدوله
۱۸۵	محلّه دروازه غار
۱۹۲	دوره گردی کسب و کار دروازه غار
۱۹۴	توزیع مواد مخدر با وانت میوه‌فروشی
۱۹۵	حکمرانی خاله پروانه و نوجه‌هایش
۱۹۵	زنان معتاد امنیت محلّه را از بین می‌برند
۱۹۶	بچه‌فروشی و کودکان برده
۱۹۸	شب‌های دروازه غار
۲۰۱	از دواج‌های دروازه غاری
۲۰۲	گذشته دروازه غار
۲۰۳	کودکان اجاره‌ای
۲۰۴	اقدامات ادارات دولتی
۲۰۷	نگاهی به زندگی کولی‌های پایتخت
۲۱۱	منابع
۲۱۷	فهرست نمایه‌ها (اعلام)

مقدمه

این کتاب به موضوعات متنوعی در تاریخ تهران پرداخته است و همانند کتاب‌های دیگر نگارنده نظیر «برگ‌هایی از تاریخ تهران»، «پرسه در دارالخلافه» و «روایاتی از تهران قدیم» که در ارتباط با تاریخ تهران نگاشته شده است، مطالبی را از این دست نظیر امکنه، اشخاص، حوادث و بسیاری نکات دیگر این حوزه از تاریخ معاصر کشورمان را مورد دقت و مطالعه قرار داده است.

از الهیه تا دروازه غار، افزون بر ذکر مطالبی از تاریخ گذشته تهران مطابق روال نگارنده در نگارش دیگر آثار خود، دو بار به حوادث روز پایتخت هم اشاره دارد. حادثه مرگ کامیار پسر فروغ فرخزاد و وضعیت محله دروازه غار که از محله‌های پرآوازه پایتخت است و بسیاری را تحت تأثیر خود دارد.

فحوای کتاب از الهیه آغاز می‌شود و تا دروازه غار ادامه می‌یابد. از جایی که امروز گاه با چندین میلیارد تومان هم نمی‌شود، یک واحد آپارتمان خرید تا جایی که با ثمن بخش با شندرغاز می‌توان بچه خرید. از جایی که تا دهه‌های چهل و پنجاه هنوز باغ‌های گیلان، تپه ماهورش را پوشانیده بود تا جایی که این همه اختلاف کیفی با دیگر نقاط شهر درش هویدا نبود.

این شهر به کجا دارد می‌رود؟ چه کسی مسئول است؟ در کوچه‌های ده دوازده متری با برج‌های سر به فلک کشیده، ترافیک، امنیت اجتماعی، آلودگی‌های هوا و صدا و غیره و ده‌ها بلکه صدها مشکل و معضلی که شهروندان تهرانی را در گیر خود

کرده است و...

الهیه تا دهه چهل که نگارنده در دبیرستان های قلهک تحصیل می کرد، پراز باغ های گیلان و آب فراوان بود. درختان تنومند گیلان که اواخر بهار و اوایل تابستان میوه شان می رسید. باغداران، جوانک های زرگنده و قلهک را به کار می کشیدند و به مزدی اندک و با سطلی در دست، روانه شاخسار درختان می کردند تا گیلان بچینند. بچه ها هم شکم سیری گیلان تک دانه سیاه شمیرانی که نسلش بر افتاده، می خوردند و چند سطل گیلان برای صاحب باغ می چیدند و پول سینما بهار و آستارا و ساندویچ تخم مرغ یا دو پر کالباس آخر هفته را در می آوردند و آخر کار راضی و خوشحال و پرت و پلاگویان روانه خانه هاشان می شدند. امروز تمام آن باغ ها به برج هایی تبدیل شده که ساکنانشان از اقصی نقاط ایران جمع شده اند، بی حسن سلوک و بی آنکه وجه اشتراکی بینشان باشد. تنها وجه اشتراک آنها پورچه و آبارتمان سوپر لوکس است. در مقابل آن دروازه غاری پدید آمده که دنیای دیگری است. در کوچه و خیابان آنجا مواد مخدر را تزریق می کنند، عریان و آشکار و مثل نقل و نبات می خردند و می فروشند. کودک اجاره می دهند، بچه می فروشند، سر می برند، جان می کنند تا نانی به کف آرند و هر جوانی را به طرفه العینی به شیشه و متادون معتاد می سازند و آماده بهره برداری بعدی می کنند. مردانی دورگردی می کنند و زنانی تن می فروشند، به ثمن بخش، نه پنهانی که گاه از استیصال، عریان و آشکار.